

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

ریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره مانور آبی ستو و ورود ناوگان آمریکا به خلیج فارس و دریای عمان

علیرغم مقاومت ارتجاعی ترین نیرو های امپریالیستی، مبارزه در راه تحکیم صلح جهانی بیروزیهای نوینی بدست می آورد. مذاکراتی که روز های ۲۳ و ۲۴ نوامبر در منطقه ولادی وستوک میان لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و جسرالد فورد رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا صورت گرفت قدم مهم جدیدی در این زمینه بود. ملاقات ولادی وستوک با نتایج مثبت خود امید

در راه تحکیم صلح

های استراتژیک برای دوران پس از سال ۱۹۸۵ از سر گرفته شود. در مورد مسائل مهم دیگری از قبیل روابط بازرگانی، اقتصادی، علمی، فنی و فرهنگی میان آمریکا و شوروی نیز پیشرفتهای جدیدی بدست آمد. مسائل جهانی و بویژه مذاکرات مختلفی که بمنظور برطرف نمودن کانون تشنج بین المللی و تحکیم صلح و امنیت جریان دارد، از جمله مذاکرات درباره امنیت و همکاری در اروپا، تقابل متقابل نیرو های مسلح و تسلیحاتی در اروپای مرکزی مورد توجه خاص قرار گرفت. هر دو طرف استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی قبرس را تأیید و اعلام داشتند که کلیه مجاهدات

خلفهائی صلحناست جهان را برآورد. قبل از هر چیز هر دو طرف در محیط صراحت و تفاهم تصمیم خود را دناز به ادامه توسعه روابط شوروی و آمریکا در جهت تصمیمات اصولی مشترک و معاهدات و موافقتنامه های اساسی منعقد میان دو کشور در سالهای اخیر تأیید نمودند. در باره مسئله کلیدی فزنی مانند بر طرف نمودن خطر جنگ هسته ای و پایان دادن بمسابقه تسلیحاتی نتایج مهمی بدست آمد. طرح موافقتنامه جدید ده ساله (تا سال ۱۹۸۵) در باره محدود ساختن سلاحهای تهاجمی استراتژیک تنظیم گردید و توافق بعمل آمد که حد اکثر تا پایان سال ۱۹۸۱ مذاکرات بعدی در باره محدود ساختن مجدد و تقلیل ممکن سلاح

دم ایران به تهدیدات و تحریکات نظامی

ریالیستهای امریکائی و انگلیسی و رژیم شاه در خلیج فارس

و اقیانوس هند بشدت اعتراض میکنند

قدرت نمائی شاه در خلیج فارس، که بصورت خیز شاه از نیروی دریائی ایران در خلیج فارس کرد، سپس مانور اخیر نیروی دریائی اعضاء نظامی تجاوز کارانه ستو در خلیج فارس و دریای که بنا به اظهار رسمی محافل ستو بزرگترین بائی است که تاکنون در اقیانوس هند صورت بدینال آن ورود ناوگان آمریکا به دریای عمان فارس موجب نگرانی شدید و بحق همه خلفها ای ضد امپریالیستی این منطقه گردیده است. اهمیت این قدرت نمائی و مانور و نگرانی آن فقط در این نیست که هر اقدامی از این روی خود چیزی جز کوشش برای تأمین هدف به طلبانه و تجاوز کارانه امپریالیستهای امریکائی سی و دستیاران آنها نمیتواند باشد بلکه برای این قدرت نمائی و مانور انتخاب شده که در آن یکبار رفته و هدفهای ویژه ای که تعیین گردیده - بر زمینه اوضاع و احوال جهانی و منطقه - نیز به این مانور و قدرت بی خاص میباشد. زمانی که به برکت مبارزه جبهه عظیم نیروهای یالیستی جهانی و مهمترین و نیرومند ترین جامعه کشورهای سوسیالیستی، که در مرکز اتحاد شوروی قرار دارد، گمهای جدی در راه ریاضت، حفظ صلح و پیشبرد سیاست همزیستی آمیز برداشته شده است، هنگامیکه مبارزه دولتهای ضد امپریالیستی در منطقه خلیج فارس ن هند علیه پایگاههای نظامی امپریالیستی ایگاه اتمی آمریکا در جزیره دیکو گرسیا، اقیانوس هند، علیه مسابقه تسلیحاتی، علیه تحریک و تجاوز افزایش می یابد - که تظاهر آن در کنفرانس صلح دهائی تو مشاهده شد - وقتیکه مبارزه کشور های منتخب برای افزایش بهای نفت و احراز حق حاکمیت ملی بر منابع نفت، کشور های امپریالیستی را در تنگنا قرار داده است - که تظاهر آن در مبارزه و موقیتهای اولیک بچشم میخورد - در چنین زمانی قدرت نمائی شاه و ورود ناوگان آمریکا بدریای عمان و خلیج فارس و بزرگترین مانور دریائی ستو صورت میگیرد که حتی بنا به اظهار نظر صریح محافل نظامی آمریکا (اینترنشنال هرالد تریبون، مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۷۴) هدف آن نشان دادن قدرت دریائی پیمان در برخورد به خلیج فارس و غنی تربیت منابع نفت جهان است. و اگر بیاد بیآوریم که چندی پیش محافل پتنگون از امکان دخالت نظامی آمریکا علیه کشور های تفخیز سخن گفتند، آنوقت مطلب باندازه کافی روشن میشود که: امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و دستیاران آنها در منطقه میخواهند با تهدید و تحریک و اعمال قدرت نظامی، مواضع اقتصادی - و قبل از همه نفت - سیاسی و نظامی خود را در منطقه حفظ کنند، روند کاهش و خامت را متوقف سازند، جنبشهای ضد امپریالیستی را از گسترش و پیشروی باز دارند و در صورت امکان سرکوب کنند، در تکامل مترقی دولتهای ضد امپریالیستی اختلال کنند و در صورت امکان آنها را ساقط نمایند. قدرت نمائی آمریکا و شاه و مانور دریائی ستو مهره ای است در این بازی شیطانی علیه صلح و امنیت منطقه، علیه استقلال و حاکمیت ملی دولتهای ضد امپریالیستی منطقه، علیه منافع و مصالح ملی خلق های منطقه.

در این واقعیت که سازمان امنیت ایران، بعنوان ابزار اصلی حکومت دیکتاتوری شاه، یکی از درنده ترین و مخوف ترین سازمانهای پلیسی جهان است، هیچ فرد آزاده و مین پرست ایرانی کمترین تردیدی ندارد. این سازمان چهره مردم آزاده و مین پرست را تعقیب میکند، یزندان می اندازد، شکنجه میدهد، میکشد، بدون آنکه هیچ قانونی پایبند باشد، بدون آنکه در برابر هیچ مقام قانونی و صلاحیت داری مسئول باشد، بدون آنکه هیچ مرزی برای جنایات خود بشناسد. چه زندگی ها که بر باد رفته، چه شخصیت ها که خرد شده و چه جانها که نیست گردیده است، آنها با رقم دهها و صدها هزار ها! سازمان امنیت مین عزیز ما ایران را بیک زندان بزرگ تبدیل کرده، که بر سر آن یک میر غضب نشسته است. سازمان امنیت تنگ ایبی برای کسی و کسانی است که آنها ابزار حکومت خود قرار داده اند. ولی این واقعیت تلخ و سهمگین، که خشم و نفرت هر ایرانی آزاده و مین پرست را بر میانگیزد، در عین حال موجب پرورز و واکنش اشتیاق آمیز و نادرست در بین مخالفان رژیم شده است: برخی ها مبارزه را در چنین شرایطی بیفایده و بی سرانجام مینندند

افزایش بیسابقه هزینه های نظامی

بر عمق خیانت رژیم شاه می افزاید

شاه بودجه سال ۱۳۵۴ را بوسیله چاپار خود رای تصحیح (نه تصویب) به مجلس فرستاد. چه ایست بیسابقه، هم از لحاظ حجم و هم از حیث خصوصیات آن. آنچه در این بودجه خلیج بودجهای نظامی (۳۵ میلیارد دلار) بیش از همه بخورد، هزینه های نظامی پیش بینی شده در بودجه های نظامی ۲۸ درصد بودجه عمومی کشور ن بلعید. تازه، این هزینه ایست که مستقیماً وزارت جنگ گذارده شده است. هزینه های سنگین مربوط به صنایع نظامی، احداث بنادر ها و شبکه های ارتباطی و مخابراتی و ساختمان لنی وحی قسمت بزرگی از هزینه های مربوط سازی و آموزش که در بخشهای اقتصادی و بودجه دولت منظور شده، هزینه هائی هستند لای که اگر تمام آنها را بحساب آوریم، شاید نامی رژیم از ۵۰ درصد بودجه کشور نیز نند. ولی همین هزینه های مستقیم نظامی نیز میتواند ضد ملی و شدت خیانت این رژیم خونخوار

حاکم بر سر نوشت مردم ایران را آشکار سازد. واقعیت های نهفته در پس این رقم ۲۸ درصد رانندگی بشکافیم. ۴۸ درصدی که به هزینه های نظامی تخصیص یافته برابر ۵۲۵ میلیارد ریال یا در حدود ۸ میلیارد دلار است، این رقم در حدود دو برابر مجموع هزینه های نظامی دولت ایران طی ۵ سال برنامه چهارم کشور است. نه فقط حجم بودجه کل کشور بیسابقه است بلکه هزینه های نظامی آن نیز بیسابقه تر است. رژیم شاه تا کنون بیش از کشورهای عضو سازمان تجاویز گرانو از تولید ناخالص ملی مین ما را صرف هزینه های نظامی میکرد. کشور های اروپائی عضو ناتو در حدود ۵ درصد تولید ناخالص ملی خود را صرف هزینه های نظامی میکردند. ولی دولت ایران ۶ درصد آنرا، ایران، از این لحاظ فقط با ایالات متحده آمریکا که بزرگترین سهم رادر هزینه های نظامی ناتو بعهده دارد، کوی برابری میزد، زیرا هر دولتی از ۶ درصد تولید ملی کشور را در راه هزینه های نظامی بهدر میدادند. ولی دولت ایران در سال ۱۳۵۴ دنباله در صفحه ۲

سازمان امنیت با وجود درندگی قدر قدرت نیست

در برخی دیگر به اشکال و شیوه های نادرستی از مبارزه متوسل میشوند. در حالیکه بنظر ما سازمان امنیت با وجود درندگی و چهره بودنش، قدر قدرت نیست، یعنی اگر اصول معینی رعایت شود، نه فقط در همین شرایط ترور و اختناق و در زیر چشم سازمان امنیت میتوان مبارزه کرد، بلکه میتوان این مبارزه را هر روز گسترش داد. ما این اصول را بصفصل در رادیوی بیگ ایران شرح کرده ایم و نیز آنرا در جزوه ای تحت عنوان «یاد داشتهای در باره کار سازمانی در شرایط ترور و اختناق کنونی» منتشر ساخته ایم، که میتواند مورد استفاده مبارزان انقلابی قرار گیرد. در اینجا فقط بایختصار این اصول را یادآوری میکنیم:

کارگران ساختمانی برای اجرای خواسته های خود مبارزه میکنند

بلاخره خواست عمده کارگران ساختمانی آزادی فعالیت سندیکائی و اتحادیه ای است. کارگران ساختمانی تنها از راه تشکل در سازمانهای مستقل و آزاد صنفی خواهند توانست شرایط کار و زندگی خود را بهبود بخشند و دولت و کارفرمایان را به رعایت حقوق قانونی خود وادار سازند. سالهاست مقامات دولتی و وزارت کار به کارگران ساختمانی وعده اجرای خواسته های آنان را میدهند. لیکن تا همین امروز توده عظیم کارگران ساختمانی از استفاده از مزایای قوانین موجود کار محروم نگاه داشته شده اند. مقامات دولتی حتی همان مصوبات کنفرانس های پنجم و ششم کار را که در سال گذشته و جاری تشکیل گردید و اجرای بیمه و تأمین فعالیت سندیکائی را به کارگران ساختمانی وعده داد با اجرا در نیلورده اند. مقامات دولتی هم اکنون در شرایط تسلط واسطه ها و دلالان در بازار کار و تمدنی و اجحاف کار فرمایان آزموه و مفاطمه کاران خارجی و داخلی در محیط کار صورت میگیرد. کارگران ساختمانی برای اجرای وعده های مقامات دولتی و وزارت کار باندازه کافی و بیش از حد صبر و حوصله نشان داده اند. اما این صبر و حوصله جز تشدید استثمار و تضییع حقوق نتیجه دیگری بنار نیلورده است. تجربه نشان داده است که تا زمانیکه مبارزات صنفی وسیع، مستقل و آزاد کارگران ضامن اجرای خواسته های آنان نباشند مقامات دولتی و کارفرمایان حتی به وعده ها و تعهدات قانونی خود نیز عمل نمیکند. بزودی نزدیک به یک میلیون نفر باشغال در امور ساختمانی جلب خواهند شد. از جانب بخش عمومی و خصوصی بویژه در طرحهای بزرگ که مستلزم ایجاد دنباله در صفحه ۲

کارگران ساختمانی در ایران که هم اکنون تعدادشان قزوق از ۷۵۰ هزار نفر است در سخت ترین شرایط ممکن استثمار میشوند. این توده عظیم کارگر تا همین امروز از استفاده از مزایای قانون کار و بیمه های اجتماعی، بهداشت و ایمنی محیط کار، تأمین مسکن و بهره یابی از فعالیت آزاد سندیکائی و اتحادیه ای محروم نگاه داشته شده اند. از کارگران ساختمانی بطور عمده بصورت کارگر موقت، روز مزد، پیمانی و از طریق واسطه های کار استفاده بعمل می آید که شرایط زندگی آنها را طاقت فرساتر می سازد. ضربات چذرمدهای اقتصادی، تورم و گرانی، بیکاری و محرومیت از شغل و مسکن ثابت نیز در نوبه اول متوجه کارگران ساختمانی است که وضع عمومی آنها را دشوارتر میکند. کارگران ساختمانی برای راهائی از این وضع غیر قابل تحمل سالهاست مبارزه میکنند. آنها بیق خواسته اند که قانون کار و بیمه های اجتماعی تمام و کمال در موردشان به اجرا گذارده شود و کارفرمایان در کارگاه های ساختمانی برعایت مقررات حفاظت فنی و بهداشت و اجراء مصوبات و آئین نامه های کار موظف گردند. کارگران ساختمانی برای افزایش دستمزدها و پرداخت منظم آن به پول ونه باجنس و یا پنه، برای تقلیل ساعات کار به هشت ساعت در روز، استفاده از تعطیلات هفته و سالیانه، بیمه دائم و دریافت مستمری از کار افتادگی و بناز نشستی و پایان دادن به فعالیت واسطه ها و دلالان در بازار کار مبارزه میکنند. کارگران ساختمانی میخواهند قانون و مقررات بیمه بیکاری تصویب و به اجرا گذارده شود تا همه کارگران بویژه خود آنان بهنگام رکود و تعطیل کارهای ساختمانی باقر و مرگ از گرسنگی مواجه نباشند.

دنباله از صفحه ۱

سازمان امنیت با وجود زدن گمی

صادق است. میهن پرست است. نوع دوست است. به این مردم میتوان اعتماد کرد و باید اعتماد کرد. از این مردم میتوان برای فعالیت انقلابی استفاده کرد و باید استفاده کرد. سازمان امنیت با همه قدرت مالی و اداری خود هرگز نخواهد توانست این میلیونها نفر مردم ایران را به عامل خود تبدیل کند.

(۲) سازمان امنیت با همه نیروی مالی و اداری خود هرگز نخواهد توانست این میلیونها نفر مردم ایران را تک تک زیر نظر بگیرد و کنترل کند. بنابراین تمام این تبلیغ بیفایده خود سازمان امنیت افتاد که چشم و گوش سازمان امنیت همه جا هست و از همه چیز اطلاع دارد.

(۳) سازمان امنیت هم بدلیل اینکه ابزار حکومت دیکتاتوری شاه است و هم بر اثر شیوه نفرت انگیز پلیسی و جنایات ضد بشری خود مورد نفرت عمومی است و در میان خلق مقدر است. از این نفرت از این انفراد میتوان و باید برای شناختن مأموران سازمان امنیت و خشی کردن فعالیت آنان و در نتیجه کمک به فعالیت انقلابی استفاده کرد.

(۴) شناسائی افراد از محیط خود شرط اولیه برای هرگونه فعالیت انقلابی است. اگر این شناسائی با دقت و عمق کافی انجام گیرد، میتوان عناصر مشکوک را از عناصر مطمئن، عناصر فاسد را از عناصر شریف باز شناخت؛ در برابر عناصر مشکوک و فاسد هشیار بود و در نتیجه آنها را خشی کرد.

(۵) عدم تمرکز در سازمان انقلابی شرط اساسی برای حفظ سازمان انقلابی و گسترش فعالیت انقلابی است. شرایط تیز و اختناق است. هر قدر شناسائی مبارزان انقلابی از یکدیگر کمتر باشد، بهمان اندازه تضمین موفقیت در حفظ سازمان انقلابی بیشتر است.

(۶) تخریب کیفیت، کمیت، بر کمیت در برگزینی افراد برای فعالیت انقلابی شرط مهم دیگری برای حفظ سازمان انقلابی و گسترش فعالیت انقلابی است. در شرایط تیز و اختناق بیش از شرایط عادی رعایت این اصل ضرورت دارد. زیرا لازمه مبارزه در شرایط تیز و اختناق وجود آگاهی، هشیاری، انضباط، فعالیت و فداکاری بیشتری از جانب مبارزان انقلابی است.

(۷) راز داری و کجنگوایی بودن هم در مورد اشیاء و اختناق است. اصل در کار مخفی آنست که هیچکس نباید بیش از آنچه برای اتخاذ تصمیم در باره موضوع و یا شخص معینی لازم است، بداند.

(۸) مبارزه با نقاط ضعف فردی مانند ظاهر، ذهن لغی، کجنگوایی، بیگونی، لافبازی، بی دقتی، وقت شناسی، بی انضباطی، ناظران، در واقع و در عمل یکی از اشکال مبارزه با سازمان امنیت است. زیرا متأسفانه بارها اتفاق افتاده است که بروز همین پدیده ها منجر به لو رفتن سازمان انقلابی شده است.

(۹) و سرانجام شرکت وسیع در مبارزه گوناگون مردم، بویژه مبارزات مطالباتی زحمتکشان، استفاده از همه امکانات علمی و قانونی برای کمک به پیشرفت این مبارزات، در عین اینکه میتواند این مبارزات را لافلاقی بطور نسبی بشمارد، پوشش مناسب و لازمی است برای فعالیت مخفی انقلابی. نباید فراموش کرد که این مبارزات مکتب آموزشی پر ارزشی برای زحمت کشان است. زیرا در این مبارزات است که زحمتکشان با تجربه شخصی خود از یکسو به مایهت غارتگر، جبار و فاسد هیئت حاکمه و سازمانها و عمال آن آشنا میشوند و از سوی دیگر به نیروی شگرف خود پی میبرند و در نتیجه برای مبارزات جری تری و جلی تری گام یکپا آماده میکنند.

چنین است مهمترین اصولی که با رعایت آن میتوان بطور مؤثر با فعالیت پلیسی سازمان امنیت مبارزه کرد و حفظ سازمان انقلابی و امکان فعالیت انقلابی را تأمین نمود.

در اینجا چند نکته دیگر نیز شایان ذکر است: اول آنکه مبارزه انقلابی در شرایط تیز و اختناق تلفات متناسب با قدرت سازمان انقلابی و اهمیت مبارزه باشد، که این تلفات بعد اقل ممکن تقابل داده شود؛ که این تلفات منجر به نابودی سازمان انقلابی نگردد. دوم آنکه بکار بردن صحیح و مؤثر اصولی که بیان شد، وابسته به اوضاع و احوال شخص، وابسته

دنباله از صفحه ۱

در راه تحکیم صلح

خود را در این جهت و طبق تصمیم شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد بکار خواهند برد. این شکست مفتضحانه نیرو هائی بود که دست به اخلال و تجاوز در امور داخلی جمهوری قبرس زدند. رهبران شوروی و آمریکا نگرانی خود را از وضع خطرناک خاور نزدیک تیز ابراز و اعلام داشتند که مساعی خود را برای استقرار صلح عادلانه و استوار در این منطقه بر اساس تصمیم شورای امنیت، با در نظر گرفتن منافع قانونی کلیه خلقهای این منطقه و از جمله خلق فلسطین و احترام ب موجودیت مستقل کلیه دولتهای منطقه بکار خواهند بست و بدین منظور کنفرانس ژنو باید هر چه زود تر فعالیت خود را از سر گیرد.

ملاقات و مذاکرات رهبران شوروی و آمریکا در منطقه ولادی وستوک قدم جدید و مهمی در زمینه تحکیم صلح جهانی بود. رئیس جمهور آمریکا به نقش مهم لئونید برژنف در حصول توافق اشاره نموده و تأکید کرد که این توافق امکان خواهد داد مساعیه تسلیحاتی و نتایج حاصل از آن یعنی ترس و وحشت، قتلها، غارتها، و خلعهای موجد جنگ و غیره کاهش یابد. موفقیت مذاکرات ولادی وستوک نتیجه تغییر تناسف نیروها در عرصه جهانی بود سوشیالیسم، صلح و ترقی است. تعرض پیروزمندان امر صلح قبل از هر چیز خدمت پر ارزش کشورهای سوشالیستی و در مرکز آن اتحاد شوروی است که برنامه صلح مصوب ۲۴ - مین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی را بومیانی سیاست دنیای همزیستی مسالمت آمیز با قاطعیت و بیگیری دنبال میکنند و مورد پشتیبانی همه بشریت معرفی قرار دارد.

اجبار هر چه بیشتر نیرو های تجاوز و جنگ به عقب نشینی شرایط مساعد تری جهت بسط و پیروزی مبارزه خلقها در راه استقلال و آزادی فراهم می آورد. خلقهای آسیا و از جمله مردم میهن ما ایران با الهام از قدرت روز افزون نیرو های صلحدوست و پیشروی امر صلح مبارزه خود را علیه امپریالیسم و ارتجاع، در راه تحکیم استقلال و تأمین ترقی و بویژه بظواهر تأمین امنیت جمعی در آسیا بسط خواهند داد.

ع. مبارز

به مهارت و ابتکار و تجربه مبارزان انقلابی است. این اصول فقط راهنمای عمل است؛ نه نسخه عمل برای هر وضع و هر لحظه.

و سرانجام اینکه، وقتی ما میگوئیم سازمان امنیت قدر نفرت نیست و میتوان در شرایط تیز و اختناق هم مبارزه کرد حکم مجری را بیان نمیکشیم. این حکمی است که تجربه عملی جنبش های انقلابی در سراسر جهان، و از جمله در ایران، صحت آنرا بارها بی ثبوت رسانده است. اگر زندانیان اردوگاههای اسپران هیتلری، که با کوچکترین تخلف از اجرائی ساده ترین اوامر جلادان خود با مرگ، حتی روبرو بودند، نتوانستند سازمان ضد فاشیستی خود را بوجود آورند و گسترش دهند، آنگاه رژیمهای فاشیستی در اسپانیا، پرتغال، یونان و نقاط آنها نتوانسته اند حزب کمونیست و سایر سازمانهای انقلابی را نابود کنند؛ اگر حزب توده ایران، با اینکه از نظر هیئت حاکمه ایران «منحله» است و سازمان امنیت با او «نابودی» آنرا اعلام کرده، و با اینکه حزب بر اثر تروریستی ضربات سنگینی هم خورده است، ولی همچنان زنده است و به مبارزه خود ادامه میدهد، همه اینها نشانه آنست که اگر سازمانهای انقلابی با خلق پیوند داشته باشند، اگر اصول کار مخفی را رعایت کنند، خواهند توانست در سخت ترین شرایط تیز ترور پلیسی هم زنده بمانند، مبارزه کنند و حتی مبارزه را گسترش دهند.

مبارزان انقلابی ایران و همه عناصر میهن پرست ضد امپریالیست و دیکراتیک، همه آنها که به فضیلت انسانی و عدالت مبارزه برای خواستههای انسانی اعتقاد دارند، میباید مهارت بجایگزین و چندی سازمان امنیت را بیش از پیش افشا کنند. ولی آنها در عین حال باید بدانند که در زیر سایه شوم این سازمان جنایتکار و جهانی هم میتوان و باید مبارزه کرد.

گسترش مبارزه در ایران نشان میدهد که اعتقاد به این امکان و ضرورت روز افزون است.

م. انوشه

دنباله از صفحه ۱

افزایش بیسابقه هزینه های نظامی...

ایالات متحده آمریکا را نیز پشت سر خواهد گذاشت؛ چنانکه این غول نظامی جهان سرمایه داری به گرد پای رژیم شاه هم نخواهد رسید. اگر پیش بینی دولت ایران در باره میزان تولید ناخالص ملی کشور را در برنامه تجدید نظر شده برای سال ۱۳۵۴ پایه قرار دهیم، دولت ایران در این سال در حدود ۱۶ درصد تولید ملی کشور را صرف هزینه های نظامی خواهد کرد؛ یعنی رقمی بیش از ۵۰ برابر آمریکا!

برای اینکه تصور باز هم روشن تری از سیاست سراسر خیانت امپریالیست رژیم شاه داشته باشیم، به چند مقایسه دیگر می پردازیم. اگر در سال ۱۹۷۳ تمام هزینه های نظامی کشور های عضو ناتو را میات جمعیت این کشور ها تقسیم میکردیم، هر یک از اهالی این کشورها بطور متوسط متحمل ۲۱۶ دلار هزینه نظامی در سال میشد. ولی اگر هزینه های نظامی شاه را در سال ۱۳۵۴ در نظر بگیریم، بهر یک از اهالی ایران بطور متوسط ۲۳ دلار بابت سیاست نظامیگری عنان گسیخته شاه تحمیل خواهد شد. تازه، همانطور که گفتم کشورهای اروپائی عضو ناتو سهم به مراتب کمتری از هزینه های نظامی ناتو را بعهده دارند. سهم سرانه کشورهای اروپائی عضو ناتو در سال ۱۹۷۳ برابر ۱۲۵ دلار بود. این رقم را تا ۱۳۵۴ داری که مردم ایران باید بپردازند مقایسه کنید؛ زحمتکشان ایران که سطح زندگی مردم کشورهای اروپائی غربی است، باید ۲ برابر مردم این کشور هاضرفه های نظامی را بپردازند. آیا جنایت آشکارتر و خیانتی بی پروانه از این میتوان نسبت به مردم ایران مرتکب شد؟ اگر این هزینه سرسام آور کمر شکن را میات تمام خانواده های ایرانی تقسیم میکردند، بهر یک از آنان ماهانه حدود ۶۵۰ تومان پول میرسید؛ رقمی که دو برابر در آمد متوسط اکثریت مطاق خانواده های ایرانی است.

هویدا، نخست وزیر و مجیدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه ب مردم ایران مت میبندند که چون بخش عظیمی از بودجه کشور و بخصوص بودجه نظامی بصورت ارز های خارجی در کشور های امپریالیستی مصرف خواهد شد، بنا بر این باعث تورم در داخل کشور نخواهد گردید. نمایندگان «حزب» اکثریت و اقلیت نیز یکدل و یک زبان دولت را تشویق میکنند که برای هزینه های نظامی محدودیتی قائل نشود و هر چه خواست در این راه مصرف برساند. آیا طراحان و مدبجان این بودجه و شاهی که الهامگر آنان است، گرفتار میشوند یا دچار حماقت؟ پاسخ این سؤال هر چه باشد، یک مسئله مسلم است و آن جنایت و خیانت رژیم شاه نسبت به مردم ایران است. رژیم شاه رژیمی است وابسته و متعهد در برابر بیگانگان، رژیمی است عامل امپریالیسم در داخل کشور و خارج از مرز های آن و بهمین جهت نام ژاندارم منطقه را بخود گرفته است؛ رژیمی است وابسته به سیاست های نظامی و اقتصادی بزرگ ترین کشورهای امپریالیستی، رژیمی است متعهد در بازگرداندن درآمد نفتی کشور به انحصارهای خارجی، فقط در رابطه با این مشخصات رژیم، کنونی است که میتوان سیاست آنرا در باره بودجه کشور بطور اجماع و بودجه نظامی بطور اخص درک کرد. مسعود

دنباله از صفحه ۱

مردم ایران به تهدیدات و...

برای مردم ایران قدرت نمائی شاه دریائی است و ورود ناوگان آمریکا به خلیج بویژه از آن جهت حائز اهمیت است که رژیم اجرائی سیاست غارتگرانه، توسعه طلبانه و تجاوز امپریالیستی، در اجرائی نقش ژاندارم خلیج فارس، تازه ای برداشته است. حتی مجال نظامی، انگلیس (اینترنشنال هیرالد تریبون، مورخ ۲۱ ۱۹۷۴) از اهمیت ویژه، مانور دریائی ستیو برا سخن گفته اند.

با اجرائی این نقش ضد ملی و ضد امنیت در عین حال چهره سالوسانه شاه بیش از آشکار میشود. زبردست همزمان با سرو صدا تبدیل اقیانوس هند و خلیج فارس بمحیطه صلح شاه با نیروی دریائی آمریکا و انگلیس به منظور مینرژاد و بدینوسیله در تهدیدات و تحرکات نمائی ضد ملیستهای امپریالیستی و انگلیسی علیه دولتهای ضد امپریالیستی منطقه شرکت مؤثر در پشتیبانی آنها خود به تشدید مساعیه تسلیحاتی، پایگاههای نظامی، به تحریک و تجاوز بر ضد دولتهای ضد امپریالیستی منطقه دست میزند درست همزمان با سرو صدا در باره اینکه خارجی نباید در امور اقیانوس هند و خلیج فارس کند، و به ورود ناوگان آمریکا به دریای خلیج فارس، که هندی جز قدرت نمائی علیه ضد امپریالیستی منطقه ندارد، صحنه میگذارد. با آن همکاری میکند.

مردم ایران به تهدیدات و تحرکات امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی در خلیج فارس اقیانوس هند پشت اعتراض میکنند و قاطعانه این سیاست امپریالیستی را خواستارند. مردم ایران سیاست ضد ملی و ضد امنیت رژیم شاه را پشت محکوم میکنند. پیروزی از سیاست توسعه طلبانه و تجاوز کارانه امپریالیست ایران را از یمان تجاوز کارانه ستو خواست حزب توده ایران از همه عناصر میهن پر از همه نیروهای ضد امپریالیست و دیکراتیک دعوت میکنند که مبارزه خود را علیه تجاوزات رژیم امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی در منطقه سیاست رژیم شاه، که عمیقاً با استقلال و حاکمیت ملی ما، با منافع و مصالح ملی ما مایهت، گسترش دهند و تشدید کنند.

حزب توده ایران از همه عناصر میهن پر از همه نیروهای ضد امپریالیستی و دیکراتیک میکنند که در این مبارزه حیاتی بظواهر آزادی، حاکمیت ملی متعهد شوند؛ زیرا اتحاد نیروهای ضد رژیم شاه شرط اساسی هرگونه موفقیت در مبارزه حزب توده ایران اعتقاد راسخ دارد.

دوران کاهش وخامت و پیشرفت امر صلح، در رشد روز افزون نیرو های ضد امپریالیستی، در تغییر روز افزون تناسب قوا بسود نیروهای ضد امپریالیست، سیاست ضد ملی و ضد صلح و امنیت رژیم شکست قطعی رو برو خواهد شد و مبارزه نیروهای میهن پرست ضد امپریالیستی و دیکراتیک ایران به پیروزی قطعی و نهائی خواهد رسید.

۱۵ آذر ماه ۱۳۵۳

دنباله از صفحه ۱

کارگران ساختمانی برای اجرائی...

کارگاههای عمده و تمرکز کارگران ساختمانی است سرمایه گیلانیهای مهمی صورت میگردد. این مجموعه برای گسترش مبارزات صنفی کارگران ساختمانی امکانات مساعدی بهمراه آورده و میآورد. در این شرایط مبارزه به منظور افزایش دستمزد ها و تقابل ساعات کار و ادار ساختن دولت به اجرائی کامل قانون کار و بیمه های اجتماعی در مورد همه کارگران ساختمانی و موظف ساختن کلیه کارفرمایان به رعایت قوانین و آئین نامه های کار از امکان پیروزی بیشتری برخوردار است.

در شرایط کنونی بویژه میتوان و باید قدمهایی جدی در راه تشکیل صنفی کارگران ساختمانی برداشت. کارگران ساختمانی بفرستی تشکیل سریع سندیکاهای اتحادیه های کارگری در کلیه کارگاههای ساختمانی و جلب همه کارگران به این سازمانها را از وظایف عمده خود می شمارند. برای سازماندهی مبارزات صنفی کارگران

توضیح

در شماره ۱۱۴ مردم، صفحه ۲ ستون ۴ در «ریخت و پاش رژیم» بخوابی ۱۸ میلیون خا روستائی خوانده شود ۱۸ میلیون روستائی